

بعضی ها هم عید فقط به دیدار تلویزیون می روند



به یاد اون قدیم ها

خدا حافظ کتاب و جامدادی!
سلام ای خواب خوب بامدادی!
اگر چه شادم از ایام نوروز
ولی ناراحتم از پیک شادی!
امیر حسین خوش حال

آیرون من!!

این لطف خدا بود که طنز شوم
از بهر شما قافیه پر داز شوم
بادیدن مرد آهنی در نوروز
تصمیم گرفته ام بدنساز شوم!

نوروز اسیر تلویزیون!!

سریال جدید و فانتزی می بینم
با مادر خود خاله قزی می بینم!
نوروز به همراه پسر خاله ی خود
در خانه کلاه قرمزی می بینم

پسر م پسته بخور!!

می گفت: بخور ولیکن آهسته بخور!
شیرینی خامه ای و بر جسته بخور!
اینست دیالوگ پدر در نوروز:
در خانه ی دیگران پسر! پسته بخور!



آرزوهای سال جدید

آرزو دارم که در سال جدید
نشونیم از چین شکر آورده اند
گفش و کیف و کُرده شوی و سنگ پا
سُنبه و سیخ و فتر آورده اند
قالی و کابینت و تخت و کمد
میخ و حتی نعل خر آورده اند
کار تولیدات ما خوابیده است
بس که کلا از دَر آورده اند
آرزو دارم که در این سال نو
گندم از گندم بر وید جوز جو
تابینم هر چه را در جای خود
در فنون و در تخصص های خود
نشونم نقاشی می باید سبد
یا پر شکلی، برج سازی می کند
آرزو دارم که از روی زمین
پارتی بازی و رافتد همچنین
کاشکی این زیر میزی هم به کل
ور بیفتد سال نو با کنترل
رسم شیرینی گرفتن هم اگر
ور بیفتد می شود مطلوب تر
کاش این اسراف ها کمتر شود
چرخ های این بلا پنجر شود
آرزو دارم ز شوق اسکناس
کس نیفتد توی چاه اختلاس
کاش چون اهل تجارت می شدیم
بیش از این ها با صداقت می شدیم
آرزو دارم که در این سال نو
توی قیمت ها نابینم بلبشو
آرزو هام یکی دوتا که نیست
در دلم ای کاش های دیگری است

مصطفی مشایخی
(عمومصطفی)

کاریکلماتورهای عیدانه

* شب عید، موقع شستن شیشه های پنجره دل است.
* عید که می رسد، تنگ ماهی معبد گربه ها می شود.
* عید آمد و از نداری، لباس ها به تنش گریه می کنند.
* حتی پسر شجاع هم از تمام شدن تعطیلات می ترسد.
* شب عید، پولمان به ماهی نرسد ماهیگیری یاد می گیریم.
* از سفره هفت سین، سرزنش را برداشتم تا سرافراز برخیزم.
* با تحویل سال نو، دیگر کسی سال کهنه را تحویل نمی گیرد.
* گاهی می شود بوی عید را از جیب های خالی استشمام کرد.
* این بار نوبت سوسن است که با دوسین، جای سنبل را بگیرد.
* بازار ماهی گرم که می شود، ماهیگیر هم ماهی گیر نمی آورد.
* ساعت تحویل را پشت دست نمی بندند، روی قلب می گذارند.
* بعضی ها سال تحویل، شکم را بیشتر از همه تحویل می گیرند.
* بعضی ها برای اسکناس تا نخورده عیدی، تمام قد تا می شوند.
* به احترام سفره هفت سین، جلوی پای ننه سرما بلند نمی شویم.
* وقتی زمستان بخواهد سرما بزند، شکوفه های بهار سرما می زند.
* بچه ها پای سفره هفت سین آنقدر سماق میکندند تا عیدی گرفتند.
* خانه تکانی جیب ها لازم نیست، به جز گرد و خاک چیزی بلند نمی شود.
* زمستان تمام می شود و به جای زغال، حاجی فیروز روسیاه می شود.
* یک سال دل را تحویل خدا دادیم تا دم سال تحویل، تحویلمان بگیرد.

* نوروز، روز از نو، روزی از نو
* کابوس درخت، مرگ بهار است.
* سال نو بدون اخذر سید تحویل شد.
* سبزه گره زدم شاید بختم سبز شود.
* گرانی آجیل، خنده پسته ها را در آورد.
* آدم برقی از خجالت بهار، آب می شود.
* خدایا، نوروز را روزی همه روز ها قرار بده.
* خدایا، سال تحویل، ما را هم تحویل بگیر.
* دهان کفش فقرا، شب عید خندان است.
* بهار در ختان را از خواب ببخواب می کند.
* گل سر سید سفره هفت سین، سنبل است.
* عید، گربه ها به جز ایر قناری سفر می کنند.
* بوی ماهی سرخ شده، دل فقرا را سرخ می کند.
* شاید سخت ترین مشق زندگی، مشق عید باشد.
* شیرینی های بی مزه، برای مردم ترش می کنند.
* فندق ها نهندیدند تا برای ماندن شکن باشند.
* نوروز نو نواری می شویم، نوار زندگی را عوض کنید.
* بهار، مشق های عید پسر ننه سرما را خط می زند.
* زمستان، برگه امتحانش را سفید تحویل می دهد.
* زبان سرخ تابستان، سر سبز بهار را به باد می دهد.
* با تراز مالی آخر سال، بهار بدهی ها سبز می شوند.
علیرضا جمشیدی



تصویر سازی: محمد کارگر

